



Quranic Studies (Specialized Quarterly)
Vol.4 / No.15 / Spring 2025
<https://www.iict.ac.ir>
...

Diversity of Readings: A Managed Challenge in the History of the Quran

Mohammad Ali Lasani-Fasharki

Assistant Professor, Department of Qur'anic Studies, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran.

Email: lessanima@gmail.com



Citation

Lasani-Fasharki, M. A. (2025). Diversity of Readings: A Managed Challenge in the History of the Quran. (e735150). *Quranic Studies*, 5(15), e735150 doi: 10.22034/qs.2025.735150

[10.22034/qs.2025.735150](https://doi.org/10.22034/qs.2025.735150)

Type of Article: Research Article

Received: 2025/12/26

Revised: 2026/01/20

Accepted: 2026/02/04

Publish Online: 2026/04/18

Abstract

The issue of variations in Quranic readings (ikhtilaf al-qira'at) is a frequently discussed topic within Quranic studies. If the diversity of readings is a phenomenon contemporaneous with the Quran itself, and if the text of the Quran has possessed a variety of readings and interpretations from its inception, allowing each reciter to adopt a specific reading, then the conceptual unity of the Quran would be called into question, opening the door to any interpretation and potentially undermining trust in the Quranic text. This research, utilizing a historical-critical method, has sought to examine reports related to variations in readings, clarifying the time of their emergence and their impact on the authenticity of the Quran. The findings of the research indicate that the issue of variations in readings primarily dates back to the era of the tabi'un (followers of the Prophet) and subsequent periods. From that time onward, through the efforts of the Ahl al-Bayt (People of the House - referring to the family of the Prophet) and the actions of certain scholars from both Sunni and Shia traditions, this challenging phenomenon was managed and never resulted in textual diversity within the Quran. What remains of its effects is not substantial enough to cast doubt on the credibility or authenticity of the Quran.

Keywords

Variations in Readings, Recitation, Quran, Authenticity of the Quran, Credibility of the Quran.



Copyright © 2024 The Author(s);

This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (CC-BY-NC: <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/legalcode.en>),

which permits use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and is not used for commercial purposes.



تنوع قرائات؛ چالشی مهارشده در تاریخ قرآن

محمدعلی فشارکی ^{ID}

استادیار گروه علوم قرآن، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

Email: lessanima@gmail.com



استناد به این مقاله:

لسانی فشارکی، محمد علی. (۱۴۰۴). تنوع قرائات؛ چالشی مهارشده در تاریخ قرآن. *فصلنامه تخصصی قرآن پژوهی*, 4(15), 5. doi: 10.22034/qs.2025.735150

[10.22034/qs.2025.735150](https://doi.org/10.22034/qs.2025.735150)

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۰/۳۰
تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۵/۱/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۵

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

مسئله اختلاف قرائات یکی از مباحث پر بسامد در عرصه قرآن پژوهی است. اگر اختلاف قرائات پدیده‌ای همزاد با قرآن باشد و از روز نخست، متن قرآن دارای تنوع خوانش و فهم بوده باشد و هر قاری بتواند قرائت خاص خود را اختیار نماید، وحدت مفهومی قرآن زیر سؤال رفته و راه برای هرگونه برداشتی از قرآن بازمی‌گردد و چه بسا مایه بی‌اعتمادی به متن قرآن شود. پژوهش حاضر با استفاده از روش نقد تاریخی تلاش کرده است گزارشهای مرتبط با اختلاف قرائات را بررسی نموده، زمان پیدایش و میزان تأثیر این پدیده بر اصالت قرآن را روشن نماید. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، مسئله اختلاف قرائات عمدتاً به عصر تابعان و بعد از آن برگشت داشته و از همان دوران، با تلاشهای اهل بیت و اقدامات برخی دانشمندان فریقین، این پدیده چالش برانگیز مدیریت شده و هیچ‌گاه به تنوع متنی قرآن منجر نشد و آنچه از آثار آن باقی مانده است به حدی نیست که اعتبار و اصالت قرآن را زیر سؤال برد.

واژگان کلیدی

اختلاف قرائات، قرائت، قرآن، اصالت قرآن، اعتبار قرآن.



مقدمه

مسئله اختلاف قرائات یکی از مباحث پر بسامد در عرصه قرآن پژوهی است و آثار و تحقیقات و تالیفات فراوانی در این زمینه نگاشته شده است. ممکن است گمان شود اختلاف قرائات پدیده‌ای همزاد با قرآن بوده و از روز نخست، متن قرآن دارای تنوع خوانش و فهم بوده است و تنوعی که قاریان به وجود آورده بودند، همگی معتبر و قابل انتساب به خدا می‌باشد. اگر چنین باشد، وحدت مفهومی قرآن زیر سؤال خواهد رفت و متن قرآن تحمل معانی مختلف و بعضاً متعارض را خواهد داشت. اگر این‌گونه باشد، اعتبار قرآن زیر سؤال رفته و حتی ممکن است مایه سوءاستفاده قرار گیرد. باید بررسی کرد که این پدیده اصالتی همزاد با قرآن دارد؟ یا بعد از دوران نزول قرآن به وجود آمده است؟ اگر این پدیده بعد از عصر نزول قرآن به وجود آمد و توسعه یافته است، آیا توانسته است متن اصیل قرآن را مخدوش و یا پنهان سازد؟ این‌ها همه سؤالاتی است که پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل انتقادی داده‌های تاریخی، به دنبال پاسخگویی آن خواهد بود. پیش از این دانشمندانی چون علامه بلاغی در آلاء الرحمن، آیت‌الله خویی در البیان و آیت‌الله معرفت در التمهید کلیاتی در این مقوله نگاشته و در دفاع از اعتبار قرآن، اعتبار قرائات مختلف و متنوع را زیر سؤال برده‌اند، اما پژوهش حاضر به‌طور ویژه و مبسوط‌تری ابعاد مسئله را مورد واکاوی قرار خواهد داد. در این مقاله، برای پاسخ‌گویی به سؤال اصلی، ابتدا به دوران پیدایش قرائت پرداخته، و در ادامه به وقایع رخ داده در دوره‌های میانی پیرامون انطباط بخشی جامعه اسلامی به امر قرائات وارد شده و در نهایت تأثیر اختلاف قرائات موجود بر اصالت قرآن مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. مفهوم‌شناسی

«قرائات» جمع واژه قرائت و از ریشه (ق-ر-أ) است. «قرائت» در لغت به معنای مطلق جمع کردن و نیز گردآوردن حروف و واژگان در هنگام بیان به کار می‌رود (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۵/ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۶۶۸/ ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۱۲۸-۱۲۹)؛ البته برخی از پژوهشگران بر این باورند که قرائت به معنای دوم (تلاوت و خواندن)، واژه‌ای عربی

تنوع قرائات؛ چالشی مهارشده در تاریخ قرآن

نبوده و برگرفته از زبان آرامی است که بعدها به معنای تلاوت در زبان عربی رواج یافت (جفری، ۱۳۸۶، ص ۳۳۹).

واژه‌های «مُقرئ» به معنای قرائت‌کننده و استاد قرائت (ر.ک: زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۳۷۶-۱۳۴)، «اقرء» به معنای واداشتن به قرائت، تلاوت مکرر و گوش دادن به قرائت با هدف آموزش و برطرف کردن اشتباه (ر.ک: طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۳۶)، «مستقرئ»، آموزنده قرآن و «اقرء» به معنای پی‌گرفتن، فهمیدن و آموختن (ر.ک: مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۹، ص ۲۵۲-۲۵۳)، از واژگان مرتبط با قرائت است.

قرائت در اصطلاح به گونه‌هایی از تلاوت گفته می‌شد که دارای ویژگی‌هایی خاص همچون حکایت از نص وحی الهی (مصحف رسمی) برابر اجتهاد یکی از قاریان معروف، بود (معرفت، ۱۳۸۱، ص ۱۸۲).

دانش قرائت نیز به آگاهی از چگونگی خوانش قرآن در اختلاف آنها معنا کرده‌اند (زرقانی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۴۰۵-۴۰۶ / مرادی، ۱۳۸۲، ص ۵۱).

۲. پیدایش قرائات

در این قسمت ابتدا بررسی می‌شود که پدیده اختلاف قرائات همزاد با خود قرآن بوده و در عصر نبی و صحابه حضور داشته یا به دوران تابعان بازمی‌گردد. برای پاسخ به این سؤال، به بررسی مفهوم واژه قرائت در دوران نبی اکرم و صحابه و پس از آن پرداخته شده است.

۲-۱. کاربرد «قرائت» در عصر نبی ﷺ و صحابه

قرآن مجید، واپسین کتاب الهی، در طول ۲۰ یا ۲۳ سال، به تدریج بر پیامبر ﷺ نازل گردید (حلبی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۴۲۰)؛ آن حضرت ﷺ نیز پس از هر مرحله از فرایند نزول، آیات فرستاده را برای مردم بازگو می‌کرد (قیامت: ۱۷ و ۱۹)؛ سپس با نظارت دقیق بر نگارش قرآن توسط کاتبان وحی، متن کامل قرآن را آیه‌به‌آیه و سوره‌به‌سوره در اذهان و قلوب مسلمانان جای می‌داد. در این باره از عبدالله بن مسعود نقل شده است که پیامبر ﷺ، آیات قرآن را ده‌آیه ده‌آیه بر

آنان می‌خواند و تا وقتی که نکته‌های علمی و عملی آن را فرا نمی‌گرفتند، آیات دیگر را به آنان آموزش نمی‌داد (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۸-۲۷ / متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۳۴۷).

خداوند «اقرء» (اعلی: ۶)، تلاوت و تعلیم قرآن (جمعه: ۲) را از جمله وظایف پیامبر اکرم ﷺ دانسته و آن حضرت نیز نظام تعلیم قرآن را بر «اقرء»، «استقرأ»، «اسماع»، «استماع»، «اتباع» و «اقتراء» بنیان نهاد (ر.ک: قیامت: ۱۸ / اعلی: ۶ / ذهبی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۳۳ / ابن جزری، ۱۴۱۶، ص ۱۷ / فضلی، ۱۴۰۵، ص ۱۳-۲۱)؛ به این ترتیب که هر فرد مسلمان با فراگرفتن بخشی - هرچند محدود - از قرآن به جمع قاریان پیوسته و می‌توانست به عنوان «مقروی» (قرائت‌کننده) و معلم قرآن، آموخته‌های خود را به دیگران بیاموزد؛ این روش آموزش و فراگیری قرآن، کار شبانه‌روزی مسلمانان بود؛ پیامبر ﷺ همواره قرآن را با دقت تمام و قرائت واحد می‌خواند؛ در عین حال آموزش قرآن را بر نوآموزان سخت نمی‌گرفت؛ نمونه آن، ماجرای اختلاف عمر بن خطاب و هشام بن حکیم درباره خواندن آیه‌ای است که رسول اعظم ﷺ هر دو را تأیید نمود (ابن ابی شیبہ کوفی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۴۳۲).

افزون بر این گروهی از صحابیان، همچون امیر مؤمنانؓ، ابی بن کعب، عبداللّه بن مسعود، ابودرداء و ابوموسی اشعری که قرآن را نزد رسول خدا ﷺ آموخته بودند، کانون توجه گروهی از مسلمانان قرار گرفته و قرائت‌های خود را - که گاه، بعد تفسیری و فقهی و بیشتر جنبه لغوی و ادبی داشتند - همراه با متن قرآن به مردم می‌آموختند (ر.ک: ذهبی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۰۲-۱۲۶ / زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۸۷ / رافعی، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۳۵ / عسکری، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۹۴-۲۰۱).

از منظر گروهی از قرآن‌پژوهان واژه قرائت در عصر صحابه به معنای قرائت نص قرآن، همراه با تفسیر مختصر آن - که از پیامبر ﷺ آموخته بودند - به کار می‌رفت (ر.ک: معرفت، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۱۲-۳۱۶ / همان، ج ۲، ص ۴۲)؛ چنانکه از آیه ۲ سوره جمعه، دو عمل تلاوت و تعلیم قرآن را می‌توان دریافت.

خلاصه آنکه در دوران نبوت و عصر صحابه، قرائت به معنای خواندن متن قرآن و تبیین و تفسیر آن خلاصه می‌شده است و دایره کاربردی آن شامل اصطلاح اختلاف قرائات نمی‌شده است.

۲-۲. تغییر مفهومی واژه قرائت در عصر تابعان

در عهد تابعان، حوزه‌های قرائت قرآن گسترش بیشتری یافته و مکان‌هایی با نام «دارالقرآء» پدید آمد که در آنها گروهی از قاریان و فراگیران قرآن به قرائت قرآن می‌پرداختند (ر.ک: فضلی، ۱۴۰۵، ص ۱۷-۱۵؛ شکری، ۱۴۲۲، ص ۵۴-۵۶). در میان تابعان، مَقریان در کنار آموزش متن قرآن و قرائت‌های صحابه، قرائت‌های اجتهادی خود را نیز آموزش می‌دادند (ر.ک: معرفت، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۳۰-۴۴؛ عسکری، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۴۷-۲۴۹). به مرور با جایگزینی اتباع تابعان و شاگردان برجسته ایشان، سلسله سند قرائت‌های مناطق مختلف شکل گرفت و هر قرائت به اسم یکی از قاریان بزرگ یا شاگردان ممتاز آنها نامیده شد (ابن مجاهد، ۱۹۸۸، ص ۴۵-۴۶/قیسی، ۱۳۷۹، ص ۴۷-۴۸)؛ بدین ترتیب، بر شمار قرائت‌های منسوب به مناطق مختلف افزوده شده و روایات (قرائت‌های منسوب به راویان از قرآء بزرگ) و طرق آنها (انتساب‌های قرائت به راویان از راویان) شکل گرفت (ر.ک: عذری، ۱۴۱۵، ص ۱۷/دمیاطی، ۱۴۲۲، ص ۲۶/سفاقی، ۱۴۲۵، ص ۲۳).

افزون‌براین هر قاری قرائت خود را بهتر و برتر از قرائت‌های دیگر و احیاناً آنها را مردود می‌دانست؛ این موضوع نگرانی‌هایی را در پی داشت؛ زیرا افزون از تفرقه‌ای که بر اثر این اختلافات پدید می‌آمد، رفته‌رفته زمینه برای انتشار متن‌های مکتوب متفاوتی از قرآن فراهم می‌شد که بی‌گمان با اهداف و آموزه‌های پیامبر ﷺ در تعارض بود (ابن قتیبه دینوری، [بی‌تا]، ص ۴۲-۴۳/ابوشامه مقدسی، ۱۴۲۴، ص ۷۱).

به باور برخی از قرآن‌پژوهان، اقداماتی همچون یکسان‌سازی مصاحف در عهد خلیفه سوم، به انگیزه رویارویی با همین پدیده صورت گرفت (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۶، ص ۹۶-۱۰۰/کریمیان سردشتی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۳۲۱). برخی نیز بر این باورند که یکسان‌سازی مصاحف، چیزی جز تهیه نسخه واحد و مجرد قرآن و ارائه آن به مسلمانان نبوده (ر.ک: عسکری، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۸۵-۸۹) و صحابه در قرائت قرآن با یکدیگر اختلافی بنیادین نداشته‌اند. ابو‌عبدالرحمن سلمی تصریح می‌کند که قرائت زیدبن ثابت، ابوبکر، عمر، عثمان و مهاجران و انصار، یکسان بود و همگی مانند عموم مسلمانان قرآن را قرائت می‌کردند (حمد، ۱۴۲۵، ص ۱۲۴-۱۲۵).

انس بن مالک نیز منطبق بودن قرائت رسول الله ﷺ با دیگر صحابه را در خواندن «مالک یوم الدین» گزارش کرده است (متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۶۰۹)؛ در این باره گروهی، آغازگر تغییر قرائت «مالک» به «مَلِک» را مروان بن حکم دانسته‌اند (سیوطی، [بی تا]، ج ۱، ص ۱۳-۱۴). در تفسیر مقاتل بن سلیمان (م. ۱۵۰ق)، کهن‌ترین تفسیر موجود، موارد اختلاف در قرائت از ده مورد تجاوز نمی‌کند.

همان‌گونه که اشاره شد، مصاحف صحابه موارد شخصی سازی در خود داشت اما نگارش مصاحفی همسان و خالی از تفسیر به دستور خلیفه سوم و نابودی مصحف‌های دیگر (یعقوبی، [بی تا]، ج ۲، ص ۱۷۰)، باعث شد که واژه قرائت رفته‌رفته به معنای قرائت متن قرآن به کار برود (ر.ک: عسکری، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۹۶-۲۹۸/۳۵۶، Leemhuis, 2006, 3, p.356). در اصطلاح به‌گونه‌هایی از تلاوت گفته می‌شد که دارای ویژگی‌هایی خاص همچون حکایت از نص وحی الهی (مصحف رسمی) برابر اجتهاد یکی از قاریان معروف بودند (معرفت، ۱۳۸۱، ص ۱۸۲).

آنچه بعدها تحت عنوان علم قرائت پدید آمد، ناظر به روش‌ها و روایات مربوط به خوانش قرآن است که با سند صحیح ثبت شده باشد (حجتی، ۱۳۸۲، ص ۲۵۰)؛ برخی نیز دانش قرائت را آگاهی از چگونگی خوانش قرآن در اختلاف آنها معنا کرده‌اند (زرقانی، [بی تا]، ج ۱، ص ۴۰۵-۴۰۶/مرادی، ۱۳۸۲، ص ۵۱).

نگارش آثار مربوط به دانش قرائت و انواع آن، از نیمه دوم سده نخست هجری با با همین معنای جدید با نگارش کتاب القراء اثر یحیی بن یعمر (م. ۸۹ق) آغاز شد و به تدریج رو به فزونی نهاد (ر.ک: فضلی، ۱۴۰۵، ص ۲۷-۳۲)؛ در سده سوم هجری، قرائت کاملاً در مسئله اختلاف قرائات تثبیت شد. آنجا که ابوعبید قاسم بن سلام هروی (م. ۲۲۴ق)، کتابی تدوین کرد که ۲۵ قرائت از جمله قرائت‌های هفت‌گانه را در برمی‌گرفت؛ ابن جریر طبری (م. ۳۱۰ق) کتابی به نام جامع القراءات من المشهور و السَّوَاد و علل ذلك نگاشت و در آن ۲۴ قرائت برگزیده را همراه با توجیه و تبیین نحوی - بلاغی و تفسیری آنها مورد بررسی قرار داد (بروکلمان، ۱۴۲۹، ج ۳، ص ۵۰/ر.ک: فضلی، ۱۴۰۵، ص ۲۹-۳۲)؛ همچنین در پایان همین قرن، ابن مجاهد، کتاب

تنوع قرائات؛ چالشی مهارشده در تاریخ قرآن

السبعة في القراءات را نوشت که نقطه عطفی شگرف در تاریخ دانش انواع قرائت بود؛ ابوعمر و دانی (م. ۴۴۴ق) با نگارش التیسیر فی القراءات السبع که اثرگذارترین کتاب وی به‌شمار می‌رود، پژوهش ابن‌مجاهد را پی‌گرفت (ابن‌جزری، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۶۱/فضلی، ۱۴۰۵، ص ۴۱-۴۲)؛ از آن‌پس، آثار متفاوتی، در زمینه انواع قرائت‌ها نشر یافت (ر.ک: ابن‌جزری، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۳۴-۳۷/فضلی، ۱۴۰۵، ص ۴۲-۴۶) و بر شمار آنها افزود که گزارش آمار دقیق آنها دشوار است (ر.ک: زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۲۸-۴۶۵).

پس از دگرذیسی مفهومی واژه قرائت و تدوین علم قرائات، دانش دیگری به نام «معرفه توجیه القرائات» نیز بنیان شد؛ دانشمندان در این‌باره با نگارش کتاب‌ها و رساله‌های متعدد، به نام «حجّه القرائات» و مانند آن، به بهانه ارائه توجیهاات لغوی، نحوی، بلاغی و معناشناختی قرائت‌های گوناگون مشهور و نادر، پیوندهای موجود میان متن قرآن کریم و زبان و فرهنگ اقوام و قبایل عرب را به تفصیل تبیین نمودند (ر.ک: زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۸۸-۴۹۲/سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۲۷۶-۲۷۷).

«دانش تجوید» نیز که عهده‌دار تبیین چگونگی خوانش واژگان قرآنی است، همچون دیگر دانش‌های قرآنی در همان سده‌های نخستین هجری در دامان دانش انواع قرائت پدیدار گردید. بنابراین، دانش تجوید با علم قرائات دارای مرزهای مشترک و مباحث و مسائل متوازی و درهم‌آمیخته‌ای است (ر.ک: پورفرزب، ۱۳۷۷، ص ۳۴-۳۵/ستوده‌نیا، ۱۳۷۸، ص ۱۳/همو، ۱۳۸۰، ج ۶، ص ۶۰۱-۶۰۵).

۲-۳. عوامل برون‌قرآنی گسترش اختلاف قرائات

در زمینه عوامل شکل‌گیری تفاوت قرائت‌ها، از نگاه برخی، بخش‌هایی از قرآن به‌گونه‌ای شفاهی، اما به روایت‌های گوناگون بیان می‌شد؛ این گروه بدون ذکر هرگونه سندی ادعا می‌کنند که پیش از گردآوری مصحف عثمانی، درباره شماری از سوره‌ها و ترتیب آنها اختلاف نظر وجود داشته است؛ حتی این اختلاف‌ها به واژه‌پردازی نیز تسری یافته و گاه این امر، موجب تغییر در معنای یک آیه شده است (Wild, 2006, p.416). در پاسخ به دیدگاه

مزبور، توجه به این امر ضروری است که افزون بر وجود قرائت مشهور و اینکه صحابه در قرائت قرآن اختلاف اصولی نداشتند، پیامبر ﷺ نیز در کنار آموزش شفاهی قرآن، بر نگارش آن تأکید نموده و گروهی از صحابه به عنوان کاتبان وحی، تمام آنچه را بر پیامبر ﷺ نازل می‌شد، ثبت می‌کردند و آیه‌ها به گونه‌ای منظم و مرتب در هر سوره نوشته می‌شد (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۶، ص ۲۸-۳۰).

همچنین اختلاف درباره تعدادی از سوره‌ها و ترتیب آنها به معنای اختلاف درونی سوره‌ها نبوده و نمی‌تواند انگیزه اختلاف قرائت‌ها باشد؛ افزون بر این مراد از اختلاف سوره‌ها روشن نیست و آنچه درباره حذف برخی از سوره‌ها بیان شده است، ادعایی خالی از هرگونه سند معتبر بوده (ر.ک: بلاغی نجفی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۲۴-۲۵ / معرفت، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۱۶۲-۱۶۸ / باراشر، ۱۳۷۸، ص ۳۲-۳۶) یا به نبودن برخی از سوره‌ها در پاره‌ای از مصحف‌ها اشاره دارد که به معنای انکار وجود آن نیست (معرفت، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۱۴-۳۱۵)؛ افزون بر اینکه بسیاری از آنچه درباره اختلاف مصاحف صحابه بیان می‌شود، مربوط به اختلاف آنها در تفسیر بوده و ناظر به متن قرآن نیست (ر.ک: معرفت، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۱۹ / نجارزادگان، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۱۰۷).

گسترش مرزهای اسلام و تمایلات قبیله‌ای و نیز علاقه به قرائت‌های ترجمه‌ای (قرائت قرآن با تغییر برخی از کلمات آن به لهجه‌های دیگر عربی) به بروز برخی نگرانی‌ها درباره اختلاف قرائت‌ها انجامید. بر اثر این رویدادها و نیز متقاعدشدن افکار عمومی مسلمانان نسبت به ضرورت ایجاد حد و حصری برای اختلاف قرائت‌ها، آموزش و قرائت قرآن در عمل بیش از پیش به رسم الخط قرآن وابسته شده و اعتبار و پذیرش قرائت‌ها تا اندازه‌ای زیاد به همسانی با مصحف رسمی (عثمانی) وابسته گردید (ر.ک: ابن قتیبه دینوری، [بی تا]، ص ۴۱-۴۳ / ابوشامه مقدسی، ۱۴۲۴، ص ۱۴۴-۱۴۵).

بر اساس تفسیر مشهور، هرچند یکسان‌سازی مصاحف از اختلاف مسلمانان در متن، آیات و واژگان جلوگیری نمود (معرفت، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۹۸)، ولی ضعف در نگارش مصاحف و چگونگی آنها (بدون نقطه و اعراب) به چندگونگی برخی از واژگان نوشته شده منجر شد و تفاوت‌هایی را در قرائت پدید آورد که همچنان بر اختلافات دامن زد.

تنوع قرائات؛ چالشی مهارشده در تاریخ قرآن

به طور کلی نوشتار عربی در آن زمان، تنها به انتقال صامت‌ها (Orthography) همت می‌گمارد و اختلافات، بیشتر در مصوت‌های بلند و همزه بود؛ برای نمونه دست‌نوشته‌های نخستین با حذف «الف» در شکل‌های گوناگون اسمی، فعلی و همزه‌هایی همراه بوده است که بر کرسی «واو» و «یاء» قرار می‌گرفت (Rezvan, 2006, 3, p.608)، اما به نظر می‌رسد مهم‌ترین منشأ تفاوت قرائت‌ها، اجتهاد راویان و قاریانی بود که هریک بر اساس اجتهاد شخصی خود، قرائتی را ترجیح داده یا ردّ می‌کردند.

قاریان، معمولاً در دفاع از قرائت‌های خود، در عوض انتساب سلسه سند قرائت خویش به پیامبر ﷺ، به دلایل و توجیه‌های ادبی و لغوی استناد می‌جستند (معرفت، ۱۳۸۱، ص ۱۹۴)؛ آنچنان‌که حتی برخی در این خصوص، کتاب‌هایی را تألیف نمودند؛ برای نمونه ابن خالویه (م. ۳۷۰ق)، الحجه فی القراءات السبع؛ ابوعلی فارسی (م. ۳۷۷ق)، الحجه للقراء السبعه و ابوزرع بن زنجله، حجه القراءات را نگاشته‌اند. طبرسی نیز در مجمع البیان برای هر قرائتی دلایل و توجیه‌هایی را بیان کرده است.

۳. اقدامات مدیریتی جهان اسلام در کنترل اختلاف قرائات

در این قسمت به بررسی اقدامات صورت گرفته در جهان اسلام خواهیم پرداخت تا بررسی کنیم این پدیده، تحت تدابیر اندیشمندان کنترل شده است یا برعکس به نحو غیر منضبطی گسترش یافته است. ابتدا به تلاش‌های اهل بیت علیهم‌السلام در این زمینه پرداخته و در ادامه به فعالیت‌های دانشمندان شیعی و اهل سنت خواهیم پرداخت.

۳-۱. مبارزه ائمه اهل بیت علیهم‌السلام با گسترش قرائات

اهل بیت علیهم‌السلام در طول سه قرن حضور خود از دوره صحابه تا تابعین و دوره‌های پس از آن، همواره بر واحد بودن نزول قرآن از سوی خداوند تأکید داشته و اختلافات را ناشی از راویان می‌دانستند؛ از این رو آنان با گسترش تفاوت قرائت‌ها مبارزه نموده و به قرائت واحد تشویق می‌کردند. در این راستا، امام صادق علیه‌السلام نزول هفت‌گانه قرآن را دروغ دشمنان خدا

دانسته و تأکید می‌فرمود قرآن با یک قرائت و از جانب یکی نازل شده است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۶۳۰-۶۳۱).

با تلاش پیشوایان معصوم^{علیهم‌السلام} و دستور آنان، مبنی بر خواندن قرآن برابر با قرائتی که میان مردم مشهور است (همان، ص ۶۳۳-۶۳۴)، تا جایی که امکان داشت از تفاوت قرائت‌ها جلوگیری شده و قرائتی واحد رواج یافت. از برخی سخنان اهل بیت^{علیهم‌السلام} درباره بازداشتن از قرائت‌های گوناگون می‌توان دریافت که قرائتی متواتر در میان مسلمانان رواج داشت که از زمان پیامبر^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} به جا مانده بود (ر.ک: ادامه مقاله). این قرائت در تدوین و انجام مراحل نقطه‌گذاری و اعراب‌گذاری واژگان و آیات قرآن رعایت شده بود (معرفت، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۵۷). هرچند برخی از فقیهان در تشخیص قرائت مزبور دچار تردید شده‌اند (ر.ک: خوئی، [بی‌تا]، ص ۱۶۳-۱۶۷)، اما برخی آن را منحصر در روایت حفص از قرائت عاصم شمرده‌اند (معرفت، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۵۴).

۲-۳. اقدامات علمای اسلامی در کنترل قرائات

همان گونه که گذشت، اهل بیت معصوم علیهم‌السلام از ابتدا به مبارزه با گسترش بی‌رویه اختلاف قرائات برآمده بودند. شاگردان اهل بیت نیز در این زمینه پیش قدم بوده‌اند، چنانکه کاربرد نقطه و اعراب‌گذاری قرآن در قرن نخست هجری که از سوی ابوالاسود دؤلی و دو شاگردش، یحیی بن یعمر و نصر بن عاصم صورت گرفت، تلاشی برای مصون ماندن قرائت واقعی و مشهور قرآن در بین عموم مردم بود و باعث شد تا قرائت‌های دیگر در حاشیه قرائت مشهور مسلمانان قرار گیرند. این قرائت که هم‌اکنون در بیشتر قرآن‌ها دیده می‌شود، همان قرائت عموم مسلمانان به روایت عاصم از حفص بن سلیمان است؛ قرائتی که هماهنگ با نگارش متداول قرآن است؛ هماهنگی موجود نیز دلیلی بر مستند بودن قرائت عاصم به امیر مؤمنان علی^{علیه‌السلام} است که قرائت وی، همان قرائت عموم مسلمانان بود (همان، ص ۲۴۵).

در قرن چهارم، اندیشمندان اهل سنت نیز متوجه ضرورت جلوگیری از اختلاف قرائات شدند. در سال‌های پایانی سده سوم هجری، شهر بغداد مرکز گردآمدن و استقرار قاریان و

تنوع قرائات؛ چالشی مهارشده در تاریخ قرآن

مقریان نامدار گردید؛ به گونه‌ای که جستجوگران فنون قرائت می‌توانستند قرائت‌های سرزمین‌های مختلف را نزد برجسته‌ترین استادان هریک از قرائت‌ها فرا گیرند. در چنین شرایطی ابن مجاهد (م. ۳۲۴ق)، شیخ القراء بغداد (ر.ک: ابن جزری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۳۹-۱۴۲) با این باور که قرائت‌های فاقد سند و روایت، بدعت‌اند (ر.ک: ابن مجاهد، ۱۹۸۸، ص ۴۵-۵۲)، تصمیم گرفت تا قرائت‌های مشهور و متواتر را از قرائت‌های نادر جدا کند؛ او با این انگیزه، کتاب‌های گوناگونی نگاشت که اثرگذارترین آنها السبعه فی القراءات است. به باور برخی، ابن مجاهد تأثیر فراوانی بر قرائات داشته؛ به ویژه آنکه از حمایت صریح عباسیان بهره می‌برد (Leemhuis, 2006, 3, p.357). در عین حال مبانی وی برای پذیرش قرائت‌ها، مطابق بودن با مصحف رسمی و توافق اکثریت اندیشمندان و مطابق با قواعد دستوری بوده است (Ibid, p.365)؛ از این رو هیچ تأثیری بر مصحف رسمی و رایج نداشت. ابن مجاهد اصول و فروع هفت قرائت مشهور را که در آغاز سده چهارم هجری در سرزمین‌های اسلامی با نام «قرائت بلد» در کنار سیاهه قرآن آموزش داده می‌شدند، با سندهای متصل به صاحبان آن قرائت‌ها گزارش کرد («اصول» هر قرائت عبارت بود از مجموعه قواعدی که سازوکارهای اصلی آن قرائت را مشخص می‌کرد و همخوانی یا ناهمخوانی آن را با دیگر قرائت‌ها و روایات نشان می‌داد؛ همچنین «فروع» یا «فرش الحروف» هر قرائت نیز موارد اختلاف آن قرائت با قرائات دیگر را شامل می‌شد که به آسانی تحت قاعده مشخصی نمی‌گنجید و یک به یک نیازمند آموزش بود).

ابن مجاهد، قرائت‌های روایت‌شده از ابن عامر دمشقی (م. ۱۱۸ق)، ابن کثیر مکی (م. ۱۲۰ق)، عاصم کوفی (م. ۱۲۷ق)، ابو عمرو بصری (م. ۱۵۴ق) و نافع مدنی (م. ۱۶۹ق) را به عنوان قرائت‌های اختصاصی شهرهای مدینه، مکه، بصره، شام و کوفه با شرح و بسط کافی فراهم آورد و سپس قرائت‌های حمزه (م. ۱۵۶ق) و کسائی (م. ۱۸۹ق) را بر آن افزود (ابن مجاهد، ۱۹۸۸، ص ۷۱-۷۹/ ر.ک: اندرابی، ۱۴۰۷، ص ۱۱۹).

در آغاز سده پنجم هجری، محدث و مقرئ، ابو عمرو دانی (م. ۴۴۴ق) با نگارش التیسیر فی القراءات السبع، هفت قرائت برگزیده ابن مجاهد را با محدود کردن هر قرائت به دو روایت و

هر روایت به دو طریق، در حوزه‌های قرائت و محافل قرآنی تثبیت کرد. شاطبی (م. ۵۹۰ق)، از استادان دانش قرائت، کتاب یادشده را در منظومه‌ای آموزشی، مشتمل بر ۱۱۷۳ بیت، با نام *جرز الامانی* و وجه التهنانی به نظم درآورد که به «شاطبیه» معروف گردید و شاگردان وی به تدریس آن پرداختند (ر.ک: عذری، ۱۴۱۵، ص ۶/ قسطلانی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۸۹).

اثرگذاری دور از انتظار التیسیر و شاطبیه موجب شد تا برخی گمان کنند که تنها همین هفت قرائت و چهارده روایت آن از اعتبار، جواز و رسمیت برخوردارند (ر.ک: ابن جزری، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۴۶-۴۷)، اما از آن پس، کارشناسان بزرگ دانش قرائت با تألیف کتاب‌ها و رساله‌های گوناگونی که در بردارنده شش، هشت، ده و چهارده قرائت، یا کمتر و بیشتر بود، به مبارزه‌ای جدی با این پندار پرداختند؛ هرچند تأثیر چندانی در تغییر پندار یادشده نداشت (ر.ک: همان، صص ۳۵، ۹۱ و ۹۳/ همان، ج ۲، ص ۴۳/ سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۱، صص ۲۵۳، ۲۷۶ و ۲۷۷).

با وجود ثبت قرائت‌های چندگانه، نزد مسلمانان، تنها یک قرائت رواج داشت که همان قرائت متواتر و مشهور بود و امامان معصوم علیهم‌السلام (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۶۳۰) و برخی از صحابه (ابویعلی موصلی، [بی‌تا]، ج ۸، ص ۴۷۰-۴۷۱) به پیروی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر آن تأکید داشتند (معرفت، ۱۴۱۵، ج ۲، صص ۱۷۹-۱۸۰).

سیوطی از یک سو ممنوعیت نقل قرائت‌های شاذ را به مذهب شافعی نسبت داده و از سوی دیگر از قاضی ابوطیب، قاضی حسین، رویانی و رافعی، جواز آن را نقل کرده است؛ به باور آنها قرائت شاذ، در زمره خبرهای واحد قرار می‌گیرند (سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۱، صص ۲۷۵-۲۷۶).

۳-۳. اقدامات فقهای شیعه در محدودسازی اختلاف قرائات

محققان و فقیهان شیعه درباره درستی قرائت قرآن با قرائت قاریان هفت‌گانه (ابن‌عامر، ابن‌کثیر، عاصم، ابوعمر و زبّان بن‌علاء)، حمزه، نافع و کسائی) یا ده‌گانه (به اضافه خلف، یعقوب و ابوجعفر) اختلاف نظر دارند؛ گرچه برخی برای اثبات جواز و اعتبار همه از قرائات سبعة، ادعای اجماع کرده‌اند (ر.ک: عاملی، ۱۴۲۱، ج ۷، صص ۲۰۹-۲۱۵)، ولی مخالفت

تنوع قرائات؛ چالشی مهارشده در تاریخ قرآن

قرآن پژوهان و گروهی از فقیهان با حجیت این قرائت‌ها و نیز مدرکی بودن اجماع یادشده، شاهدی بر بی‌اعتباری این دلیل دانسته شده است (معرفت، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۵۸). در این باره برخی از فقیهان نیز به دلایلی همچون «سیره» نیز استناد کرده‌اند (ر.ک: عاملی، ۱۴۲۱، ج ۷، ص ۲۰۹-۲۱۵ / طباطبایی قمی، ۱۴۲۶، ج ۴، ص ۴۵۹)، در حالی که دلیلی بر وجود چنین سیره مستمری وجود ندارد. افزون بر رهیافت‌های پیش‌گفته، احادیث ارجاع مردم به قرائت مشهور نیز مورد استناد قرار گرفته است (ر.ک: عاملی، ۱۴۲۱، ج ۷، ص ۲۰۹-۲۱۵)، اما چنان‌که گذشت، این‌گونه از روایت‌ها، تنها به روش جمهور و متواتر مسلمانان از دوره رسول اکرم ﷺ اشاره داشته و دلیلی بر جواز قرائت مشهور قاریان نیست؛ بنابراین با توجه به اصل لزوم برائت یقینی، پس از وجود تکلیف مسلّم و قطعی، نمی‌توان به هریک از قرائت‌ها بسنده نمود (خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۴، ص ۴۳۹-۴۴۰)، بلکه تنها یک قرائت از اعتبار برخوردار خواهد بود و آن قرائت عموم مردم است.

بیشتر فقیهان شیعه، همچون شیخ مرتضی انصاری (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۶۹)، شیخ عبدالکریم حائری (حائری، ۱۳۶۲، ص ۲۰۴)، سید ابوالقاسم خوئی (موسوی خوئی، [بی‌تا]، صص ۱۲۳، ۱۵۱ و ۱۵۸) و محمد هادی معرفت (معرفت، ۱۳۸۱، ص ۱۹۲) به متواتر نبودن قرائت‌های هفت‌گانه تصریح کرده‌اند. مخالفت ائمه فقهی و قرائت گذشته با قاریان معروف و حتی قاریان هفت‌گانه، دلیل متواتر نبودن قرائت‌ها از پیامبر ﷺ به‌شمار آمده و مخالفت احمد بن حنبل با بسیاری از قرائت‌های حمزه، دلیلی بر متواتر نبودن آن است؛ چنان‌که افزون بر وی ابوبکر بن عیاش، ابن‌درید، ابن‌مهدی و یزید بن هارون نیز قرائت حمزه را غیر قابل قبول می‌دانند (همان، ص ۱۹۷).

۴. بررسی میزان تأثیر اختلاف قرائات موجود بر اصالت قرآن

گذشت که به تدبیر اهل بیت ﷺ و تلاش‌های اندیشمندان اسلامی، پدیده اختلاف قرائات تحت مدیریت و کنترل قرار گرفت، اما با این حال، همچنان شاهد وجود برخی اختلاف قرائت‌ها هستیم. خاور شناسان با این باور که این اختلاف قرائات مایه اختلاف در متن و اعتبار

قرآن است، به مسئله ورود کرده‌اند، در ادامه پس نقد دیدگاه خاور شناسان بررسی خواهد شد که این مسئله تا چه اندازه با واقعیت هماهنگ است.

۱-۴. سوءاستفاده خاورشناسان از مسئله اختلاف قرائات

در دو سده اخیر، خاورشناسان به دانش قرائت و مطالعه پیرامون انواع قرائت‌ها اهتمامی ویژه داشته‌اند، ولی از یکسو، ذهنیت آنها درباره سرگذشت دیگر کتاب‌های آسمانی، همچون تورات و انجیل، و ازسوی دیگر نداشتن اطلاعات و مهارت‌های کارشناسانه و آشنایی لازم با منابع اصیل به‌ویژه منابع شیعه و روش‌های پژوهش در علوم اسلامی و قرآنی (ر.ک: صغیر، ۱۴۲۰، ص ۱۸/ رضوان، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۵۵۰/ حلی، ۱۴۰۷، ص ۳۰-۳۲)، باعث گردید در بیشتر موارد، پژوهش‌های آنان به داوری‌های غیرمحققانه بینجامد.

نخست تئودور نولدکه (م. ۱۹۳۰ م.)، خاورشناس آلمانی در کتاب تاریخ قرآن، موارد اختلاف رسم الخط قرآن با رسم الخط رایج عربی را نوعی اشتباه دانست (ر.ک: نولدکه، ۲۰۰۰، ص ۴۴۳-۵۵۳) که گویای دانش اندک وی درباره پیشینه رسم المصحف (رضوان، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۵۵۱-۵۵۰) و نادیده انگاشتن مسائل بدیهی تاریخ اسلام است؛ زیرا از نظر تاریخی، بی‌گمان تکوین قرائت‌های قرآنی بر تدوین مصاحف رسمی و نیز پیامدهای آن پیشی داشته است؛ از این رو همواره رسم القرائه بر رسم الکتابه برتری داشته و بر آن حاکم بوده است (سفاقی، ۱۴۲۵، ص ۲۱۸/ ر.ک: فضلی، ۱۴۰۵، ص ۹۸-۱۰۰).

گلدزیهر نیز در آغاز بر کاستی‌های خط عربی در روزگار تدوین قرآن تأکید نموده و با تحلیل‌هایی مبتنی بر پندار، به پردازش داده‌های موجود در گنجینه قرائت‌های قرآنی پرداخت؛ وی با اشاره به هشت عامل اختلاف قرائت، نتیجه می‌گیرد که علت آن، هواهوس قاریان و مقریان و انگیزه‌های گوناگون آنان بوده است (ر.ک: گلدزیهر، ۱۴۱۳، ص ۸-۷۲). ازسوی قرآن‌پژوهان معاصر، پاسخ‌هایی برای این ادعا ارائه شد (ر.ک: رضوان، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۵۱۶-۵۵۰/ حمّوده، ۱۳۶۸، ص ۱۸۲-۲۱۳/ فضلی، ۱۴۰۵، ص ۹۷-۹۸)؛ از جمله آنکه موضوع اختلاف قرائت‌ها، پیش از پیدایی خط و نقطه مطرح بوده و نقل قرآن در آن زمان، متکی بر

تنوع قرائات؛ چالشی مهارشده در تاریخ قرآن

حفظ بود، نه نگارش؛ افزون بر آنکه محور اختلاف، تفاوت قرائت‌های روایت‌شده از پیامبر اکرم ﷺ بوده است (ر.ک: قاضی، ۱۴۲۶، ص ۷۹-۲۴).

بروکلمان نیز چگونگی نگارش قرآن را سبب اختلاف قرائت‌ها دانسته است (بروکلمان، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۱۴۰). همچنین بلاشر، با تحلیل روایات مربوط به جمع و تدوین قرآن، خط قرآن و قرائت‌های قرآنی، کوشید تا با شبهه‌پراکنی، در قداست و اصالت قرآن خدشه وارد کند که در ترجمه فارسی کتاب وی، به آن پاسخ داده شده است (ر.ک: بلاشر، ۱۳۷۴، ص ۱۲۱-۱۵۴). آرتور جفری، دیدگاه‌های این خاورشناسان را در نوشته‌های خود بازتاب داده است (ر.ک: ابن‌ابی‌داوود، ۱۳۵۵، ص ۷-۹ «مقدمه»).

خاورشناسان معمولاً دو حوزه مهم علم قرائات و دانش رسم‌المصحف را در حوزه قرآن‌پژوهی بیشتر از دیگر علوم قرآنی مدنظر قرار داده‌اند که اغلب هم بر اساس دیدگاه‌های دانشمندان اهل سنت بوده است.

در ادامه دلایلی بر حفظ اصالت قرآن با وجود اختلاف قرائات عرضه خواهد شد.

۲-۴. عدم تلازم اختلاف قرائات با اختلاف در قرآن

گذشت که مسئله اختلاف قرائات امری پسا نبوی بوده و اهل بیت علیهم‌السلام و دانشمندان شیعی و سنی برای جلوگیری از گسترش اختلاف قرائات اقدامات شایسته‌ای انجام داده و تا حد زیادی موفق بوده‌اند. با این حال، همچنان برخی اختلاف قرائات باقی مانده است که به لطف تلاش‌های دانشمندان اسلامی، در حدی نیست که اصالت قرآن را زیر سؤال برد.

به گفته صاحب نظران، اختلاف قرائت‌ها سه گونه است: ۱. اختلاف در واژه، بدون اثرگذاری در معنا؛ مثل صراط و سراط؛ ۲. اختلاف در واژه همراه با اثرگذاری در معنا به گونه‌ای که معانی گوناگون با یکدیگر همخوان و سازگار باشند؛ مانند «تُنْحِيكَ بِيَدِنَا» و «تُنْحِيكَ بِيَدِنَا» (یونس: ۹۲)؛ ۳. اختلاف لفظ و معنا به گونه‌ای که معانی متفاوت در عین ناسازگاری و ناهمخوانی با یکدیگر، هم جهت و هماهنگ بوده و تضادی ندارند؛ همچون آیه ۹۲ سوره یونس که دو گونه قرائت شده است: «لَيْتَكُنَّ لَمَنَ خَلَقَكَ آيَةً» یا «لَمَنْ خَلَقَكَ آيَةً» (ابن قتیبه دینوری، [بی‌تا]، ص ۳۱-۳۲/ ابن جزری، ۱۴۱۸،

ج ۱، صص ۲۶، ۴۹ و ۵۱/فانی اصفهانی، ۱۴۱۱، ص ۶۸-۶۴).

موارد اختلاف قرائت در چهارده روایت مشهور مربوط به قرائت سبع، بسیار محدود است؛ تا آنجا که نسبت میان آنها به وحدت نزدیک تر است تا اختلاف؛ چنان که بزرگان علم قرائت، مجموعه قرائت‌های هفت‌گانه را - حتی با وجود گسترش فراوان تر در روایات و طُرُق آنها - قرائت واحدی دانسته‌اند که مورد اجماع امت اسلامی است (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۸-۲۰/ابوشامه مقدسی، ۱۴۲۴، ص ۱۱۵-۱۱۶/ابن جزری، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۴۰-۴۱).

از منظری دیگر و به باور برخی از قرآن‌پژوهان، قرائت‌های گوناگون را به طور کلی می‌توان تفسیرهای مختلفی برای واژگان و ترکیب‌های قرآنی دانست که به‌رغم ظهور و بروز آن‌همه اختلافات، متن متواتر قرآن دست‌خوش تضاد و تناقض در مضامین و مفاهیم نشده و آشفتگی و درهم‌ریختگی آیات و سوره‌ها را در پی نداشته است؛ زیرا قرائت قرآنی از آغاز پیدایش همواره در حاشیه قرائت عموم مسلمانان مطرح بوده و این قرائت‌ها هیچ‌گاه با متن متواتر قرآن در نیامیخته و هرگز جایگزین متن واحد قرآنی نگردید؛ آنان قرآن و قرائت را دو حقیقت مغایر دانسته‌اند (زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۶۵/قسطلانی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۱۷۱-۱۷۲).

شیوه مقریان نیز همواره از آغاز تاکنون این بود که فراگرفتن اختلاف قرائت‌ها را به آموختن متن کامل قرآن و مهارت در قرائت صحیح و دقیق آن با تجوید و ادای کامل قرائت عاصم، موکول می‌کردند. همچنین، تذکره‌نویسان غالباً در زندگی‌نامه قاریان و مقریان ابتدا فراگیری عامه قرآن و سپس فراگیری اختلاف قرائت‌ها را گزارش کرده‌اند (ر.ک: ذهبی، ۱۴۱۶، ج ۱ و ۲، صص ۲۷۱-۲۷۲ و ۵۶۳/ابن جزری، ۱۴۰۲، ج ۱ و ۲، صص ۲۹۷-۳۹۷).

مهاجران و انصار در هنگام خواندن نماز و تلاوت قرآن - با هدف تبلیغ یا به انگیزه عبادت - در کنار قرائت‌های دیگر، هیچ‌گاه از قرائت رایج در میان مسلمانان رو بر نتافته (ابوشامه مقدسی، ۱۴۲۴، ص ۷۱) و تنها به تلاوت و تعلیم متن قرآن می‌پرداختند؛ چنان که ابوعبدالرحمن سلمی، نزدیک چهل سال در مسجد کوفه، فقط قرائت عموم مسلمانان را به قرآن‌آموزان می‌آموخت (ذهبی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۴۷/ابن جزری، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۴۱۳-۴۱۴). شاگرد او، عاصم کوفی نیز حفص را که از شاگردان بارز خود بود به فراگیری قرائت عموم مسلمانان ملزم و

تنوع قرائات؛ چالشی مهارشده در تاریخ قرآن

محدود کرد (ذهبی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۴۱/ ابن جزری، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۲۵۴) و بدین سان از چهارده روایت مشهور، در عمل، تنها روایت حفص از عاصم با قرائت عموم مسلمانان؛ یعنی «عامه القرآن» انطباق یافت.

در این باره، توجه به این نکته بایسته است که عنوان «متواتر» همواره در اصطلاح علم قرائات در مقابل «آحاد» و «شاذ» و مترادف با عنوان «مشهور» کاربرد دارد؛ استفاده از عنوان «متواتر» برای قرائت‌های هفت‌گانه، به‌ویژه از سوی فقیهان (ر.ک: طوسی، [بی تا]، ج ۱، ص ۱۷/ موسوی خویی، [بی تا]، ص ۱۴۹-۱۵۹/ عسکری، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۴۸-۲۴۹) و مفسران شیعی (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۸-۳۹/ ر.ک: فانی اصفهانی، ۱۴۱۱، ص ۵۸-۵۵/ معرفت، ۱۴۱۵، ج ۲، صص ۴۸، ۶۱، ۶۵ و ۸۹)، با تسامح همراه بوده و لزوماً بر حجیت و اعتبار قرائت‌های مزبور و آسمانی و وحیانی بودن آنها دلالت ندارد.

۳-۴. بقای متن اصیل قرآن در عصر حاضر و کم‌فروغی قرائات متنوع

در عصر حاضر - همچون سده‌های پیشین - همه مسلمانان بر «قرآنه العامه» یا «عامه القرآن» - به شرحی که گذشت - اجماع دارند و از میان چهارده روایت مشهور قرائت‌های هفت‌گانه، روایت حفص از عاصم بیشترین همسانی را با این قرائت داراست. مصحف‌نگاران نیز در تمام سرزمین‌های اسلامی، همچون گذشته بر نگارش، ساختار، اعراب و ضبط مصحف شریف مطابق قرائت عموم مسلمانان اتفاق نظر و عمل دارند (صغیر، ۱۴۲۰، ص ۱۰۶).

آنچه از اختلاف قرائات امروزه شاهد هستیم در حد تعدادی قرائت آن هم با تیراژ بسیار کمتر است. برخی از ناشران در کشورهای اسلامی، مصحف‌هایی را با ضبط و علامت‌گذاری مطابق روایت «قالون» از نافع، یا روایت ورش از نافع، یا قرائت حمزه کوفی انتشار داده و از سوی گروهی از اندیشمندان اسلامی مورد پذیرش قرار گرفته است.

امروزه همه مسلمانان در نگارش، آموزش و تلاوت قرآن، به‌گونه‌ای یکسان و یکنواخت، با همان متن متواتر و یگانه‌ای سروکار دارند که مسلمانان در آغاز نزول قرآن، با آن مأنوس بودند؛ همچنان‌که آموزش قرائت‌های هفت‌گانه نیز اکنون کم‌وبیش رواج داشته و قاریان رسمی،

معمولاً از عهده ارائه چهارده روایتِ قرائت‌های هفت‌گانه برمی‌آیند، اما قرائت‌های ده‌گانه رویکردی تخصصی داشته و مقربان و قاریان به آنها علاقه کمتری نشان می‌دهند. همچنین در بعضی کشورها برخی از قرائت‌ها، شهرت و رواج بیشتری دارند؛ گرچه در بسیاری از نقاط مصر، قرائت «ورش» همچون روایت حفص مورد توجه همگان است (ر.ک: بیلی، [بی‌تا]، ص ۸۲)؛ در الجزایر، مراکش و سودان نیز قرائت مزبور رواج دارد (ابن‌عاشور، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۶۲/صغیر، ۱۴۲۰، ص ۱۰۶)؛ در تونس و لیبی روایت «قالون» از نافع، دارای شهرت و رواج بیشتری است (ابن‌عاشور، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۶۲)؛ قرائت «حمزه کوفی» نیز در مراکش بیش از مناطق دیگر رواج دارد (بلاشر، ۱۳۷۴، ص ۱۵۰). قرائت «ابوعمر و بصری» نیز در بخشی از سودان رایج است، اما با این حال، در بسیاری از کشورها، از جمله هند، پاکستان، ترکیه، افغانستان، سوریه، عراق و حتی برخی از مناطق مصر، هیچ‌یک از روایت‌ها و قرائت‌های مشهور، در کنار قرائت عمومی و متواتر قرآن، از رواج و شهرتی خاص برخوردار نیستند (ابن‌عاشور، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۶۲/کلاک، ۱۴۰۱، ص ۴۷ / Leemhuis, 2006, 3, p.361).

به گزارشی دیگر، در حال حاضر، تنها چهار روایت از چهارده روایت مشهور مربوط به قرائت‌های هفت‌گانه در کشورهای عربی و جهان اسلام رایج است: ۱. روایت حفص از عاصم که رواجی بسیار بیشتر دارد؛ ۲. روایت ورش از عاصم در شمال، مرکز و غرب آفریقا و نیز در کشور مصر؛ ۳. روایت قالون از نافع در لیبی، موریتانی و گاه در تونس و الجزایر؛ ۴. روایت دُوری (حفص بن عمرو) از ابوعمر و بصری در کشور سودان (کلاک، ۱۴۰۱، ص ۴۷).

در ایران، از دیرباز قرائت‌های هفت‌گانه کمتر مورد توجه بوده و بر اساس آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام، همواره بر قرائت معروف و متواتر که همان قرائت حفص از عاصم است، تأکید می‌شده است.

نتیجه

آنچه در مقاله گذشت می‌توان نتیجه گرفت که اختلاف قرائات در عصر نبوی و حتی صحابه معنایی مغایر با معنای اصطلاحی امروزی داشت و اختلاف قرائات به معنای

تنوع قرائات؛ چالشی مهارشده در تاریخ قرآن

اصطلاحی بسیار نادر بود، اما در عصر تابعان و پسا تابعان معنای جدیدی به خود گرفت که به خوانش‌های مختلف و متنوع متن قرآن منجر می‌شد. تنوع قرائات در این دوران هر روز گسترده‌تر می‌شد و می‌رفت تا چالشی بزرگ در مسیر حفظ اصالت قرآن به وجود آورد، اما اقدامات به موقع اهل بیت علیهم‌السلام و نیز دانشمندان شیعی و سنی، مانع گسترش بی‌رویه اختلاف قرائات گشته و این پدیده را در چارچوب‌های مشخصی، مضبوط و محدود نمود. در نتیجه با وجودی که این پدیده چالش برانگیز به‌طور کامل از بین نرفت، اما بر خلاف تصور خاورشناسان، به‌گونه‌ای نیست که اصالت قرآن را زیر سؤال ببرد.

منابع

۱. ابن ابی شیبہ کوفی، عبداللہ بن محمد؛ المصنف فی الاحادیث و الآثار؛ تحقیق سعید لحام؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
۲. ابن جزری، محمد بن محمد؛ النشر فی القراءات العشر؛ بیروت: دارالکتب العلمیہ، ۱۴۱۸ق.
۳. ابن جزری، محمد بن محمد؛ غایة النہایہ فی طبقات القراء؛ بیروت: دارالکتب العلمیہ، ۱۴۰۲ق.
۴. ابن جزری، محمد بن محمد؛ منجد المقرئین و مرشد الطالبین؛ قاہرہ: مکتبہ القدسی، ۱۴۱۶ق.
۵. ابن عاشور، محمد بن طاہر؛ التحریر والتنویر (تفسیر ابن عاشور تونسسی)؛ قاہرہ: مؤسسة التاریخ، ۱۴۱۴ق.
۶. ابن قتیبہ دینوری، عبداللہ بن مسلم؛ تأویل مشکل القرآن؛ تحقیق ابراہیم شمس الدین؛ بیروت: دارالکتب العلمیہ، ۱۴۲۷ق.
۷. ابن مجاہد، احمد بن موسی؛ السبعہ فی القراءات؛ تحقیق شوقی ضیف؛ قاہرہ: دارالمعارف، ۱۹۸۸م.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ قم: نشر ادب الحوزہ، ۱۴۰۵ق.
۹. ابو حیان اندلسی، محمد بن یوسف؛ البحر المحیط فی التفسیر؛ تحقیق صدقی محمد جمیل؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۰ق.
۱۰. ابوشامہ مقدسی، عبدالرحمن بن اسماعیل؛ المرشد الوجیز إلی علوم تتعلق بالکتاب العزیز؛ بیروت: دارالکتب العلمیہ، ۱۴۲۴ق.
۱۱. ابو یعلیٰ موصلی، اسماعیل بن محمد؛ مسند ابو یعلیٰ الموصلی؛ تحقیق حسین سلیم اسد؛ دمشق: دارالمأمون للتراث، ۱۴۱۴ق.
۱۲. اندرابی، احمد بن ابی عمر؛ قراءات القراء المعروفین بروایات الرواہ المشهورین؛ تحقیق احمد نصیف جنابی؛ بیروت: مؤسسة الرسالہ، ۱۴۰۷ق.
۱۳. انصاری، مرتضیٰ؛ الصلاة؛ قم: المؤتمر العالمی بمناسبة الذکری المئویہ الثانیة لمیلاد الشیخ الأنصاری، ۱۴۱۵ق.

تنوع قرائات؛ چالشی مهارشده در تاریخ قرآن

۱۴. باراشر، مايرم؛ «تحليل مباني و شيوه‌های تفسير شيعه»، قرآن پژوهشی خاورشناسان (دو فصلنامه)؛ ترجمه سيدرضا مؤدب و سيدمحمد موسوی مقدم؛ ش ۵، پایيز و زمستان ۱۳۸۷، ص ۳۸-۹.
۱۵. باقلانی، محمدبن طيب؛ الانتصار للقرآن؛ بيروت: دارالفتح، ۱۴۲۲ق.
۱۶. بخاری، محمدبن اسماعيل؛ صحيح البخاری؛ بيروت: دارالفکر، ۱۴۰۱ق.
۱۷. بروکلمان، کارل؛ تاريخ الأدب العربي؛ ترجمه عبدالحليم نجار؛ قم: دارالکتاب الإسلامي، ۱۴۲۹ق.
۱۸. بلاشر، رژی؛ در آستانه قرآن؛ ترجمه محمود راميار؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.
۱۹. بلاغی نجفی، محمدجواد؛ آلاء الرحمن في تفسير القرآن؛ قم: بنياد بعثت، ۱۴۲۰ق.
۲۰. بیلی، احمد؛ الاختلاف بين القراءات؛ بيروت: دارالجیل، ۱۴۰۸ق.
۲۱. پورفرزيب، ابراهيم؛ تجويد جامع؛ تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۷.
۲۲. جفري، آرتور؛ واژه‌های دخیل در قرآن مجید؛ ترجمه فریدون بدره‌ای؛ تهران: انتشارات توس، ۱۳۸۶.
۲۳. جوهری، اسماعيل بن حماد؛ الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية؛ تحقيق احمد عبدالغفور عطار؛ بيروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷ق.
۲۴. حائری، عبدالکریم؛ الصلاة؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲.
۲۵. حجتی، سيدمحمدباقر؛ پژوهشی در تاريخ قرآن کریم؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۲.
۲۶. حسینی زبیدی، سيدمحمد مرتضی؛ تاج العروس من جواهر القاموس؛ تحقيق علی شیری؛ بيروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۲۷. حلبی، علی بن برهان؛ السیرة الحلبیه؛ بيروت: دارالمعرفه، ۱۴۰۰ق.
۲۸. حلّی (علامه حلّی)، حسن بن يوسف؛ تحرير الأحكام الشرعيه؛ تحقيق ابراهيم بهادری؛ قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۲۱ق.
۲۹. حلّی، حازم سليمان؛ القراءات القرآنية بين المستشرقين والنحاه؛ نجف اشرف: مكتبة القضاء، ۱۴۰۷ق.
۳۰. حموده، عبدالوهاب؛ القراءات واللهجات؛ قاهره: مكتبة النهضة المصريه، ۱۳۶۸.
۳۱. خطيب، عبداللطيف محمد؛ معجم القراءات القرآنية؛ دمشق: دار سعدالدين، ۱۴۲۲ق.

۳۲. دمیاطی، احمد بن محمد؛ إتحاف فضلاء البشر فی القراءات الأربعة عشر؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.
۳۳. ذهبی، محمد بن احمد؛ معرفة القراء الکبار علی الطبقات والأعصار؛ تحقیق طیار آئی قولاج؛ استانبول: مرکز البحوث الإسلامیه، ۱۴۱۶ق.
۳۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات الفاظ القرآن؛ تحقیق صفوان عدنان داوودی؛ بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
۳۵. رافعی، مصطفی صادق؛ تاریخ آداب العربیه؛ بیروت: دارالکتب العربی، ۱۳۹۴ق.
۳۶. رامیار، محمود؛ تاریخ قرآن؛ تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹.
۳۷. رضوان، عمر بن ابراهیم؛ آراء المستشرقین حول القرآن الکریم و تفسیره؛ ریاض: دار طیبه، ۱۴۱۳ق.
۳۸. زرقانی، محمد عبدالعظیم؛ مناهل العرفان فی علوم القرآن؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۰ق.
۳۹. زرکشی، محمد بن عبدالله؛ البرهان فی علوم القرآن؛ تحقیق یوسف عبدالرحمن مرعشلی و دیگران؛ بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۰ق.
۴۰. ستوده نیا، محمدرضا؛ بررسی تطبیقی میان علم تجوید و آواشناسی؛ تهران: انتشارات رایزن، ۱۳۷۸.
۴۱. ستوده نیا، محمدرضا؛ تجوید، دانشنامه جهان اسلام؛ زیر نظر غلامعلی حداد عادل؛ تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۸۰.
۴۲. سجستانی ابن ابی داوود، عبدالله بن سلیمان؛ المصاحف؛ تحقیق آرتور جفری؛ مصر: مؤسسه الخانجی، ۱۳۵۵.
۴۳. سفاقی، علی نوری بن محمد؛ غیث النفع فی القراءات السبع؛ تحقیق احمد محمود شافعی حفیان؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۵ق.
۴۴. سیوطی، جلال الدین؛ الإقتان فی علوم القرآن؛ تحقیق سعید مندوب؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۶ق.
۴۵. سیوطی، جلال الدین؛ الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور؛ بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
۴۶. شکر، احمد خالد و دیگران؛ مقدمات فی علم القراءات؛ عمان: دار عمار، ۱۴۲۲ق.
۴۷. صدر، سید حسن؛ تأسیس الشیعة لعلوم الإسلام؛ بیروت: دارالرائد العربی، ۱۴۰۱ق.
۴۸. صدوق، محمد بن علی؛ النخصال؛ تحقیق علی اکبر غفاری؛ قم: نشر اسلامی، ۱۴۰۳ق.

تنوع قرائات؛ چالشی مهارشده در تاریخ قرآن

۴۹. صغیر، محمدحسینعلی؛ المستشرقون والدراسات القرآنیة؛ بیروت: دارالمورخ العربی، ۱۴۲۰ق.
۵۰. صغیر، محمدحسینعلی؛ تاریخ القرآن؛ بیروت: دارالمورخ العربی، ۱۴۲۰ق.
۵۱. طباطبایی قمی، سیدتقی؛ مبانی منهاج الصالحین؛ تحقیق عباس حاجیان؛ قم: انتشارات قلم الشرق، ۱۴۲۶ق.
۵۲. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ تهران: انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۷۲.
۵۳. طبری، محمد بن جریر؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
۵۴. طریحی، فخرالدین؛ مجمع البحرین؛ تحقیق سیداحمد حسینی؛ تهران: المکتبه المرتضویه، ۱۳۷۵.
۵۵. طوسی، محمد بن حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ تحقیق احمد قصیر عاملی؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ق.
۵۶. عاملی، سیدمحمدجواد؛ مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه؛ قم: نشر اسلامی، ۱۴۲۱ق.
۵۷. عذری، ابن قاصح؛ سراج القارئ المبتدی و تذاکر المقرئ المنتهی؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۵۸. عسکری، سیدمرتضی؛ القرآن الکریم و روایات المدرستین؛ بیروت: شرکت التوحید، ۱۴۱۵ق.
۵۹. فانی اصفهانی، سیدعلی؛ آراء حول القرآن؛ بیروت: دارالهادی، ۱۴۱۱ق.
۶۰. فضلی، عبدالهادی؛ القراءات القرآنیة (تاریخ و تعریف)؛ بیروت: دارالقلم، ۱۴۰۵ق.
۶۱. قاضی عبدالغنی، عبدالفتاح؛ القراءات فی نظر المستشرقین والملحدین؛ قاهره: دارالسلام، ۱۴۲۶ق.
۶۲. قدوری حمد، غانم؛ رسم المصحف (درأسه لغویة تاریخیه)؛ عمان: دارعمار، ۱۴۲۵ق.
۶۳. قسطلانی، احمد بن محمد؛ لطائف الإشارات لفنون القراءات؛ قاهره: المجلس الأعلى للشئون الإسلامیه، ۱۳۹۲ق.
۶۴. قیسی، مکی بن ابی طالب؛ الإبانة عن معانی القراءات؛ قاهره: دارالنهضة، ۱۳۷۹ق.
۶۵. کردی، محمدطاهر؛ تاریخ القرآن الکریم؛ جدّه: مطبعة الفتح، ۱۳۶۵ق.
۶۶. کریمیان سردشتی، نادر؛ «صاحف صحابه»، دانشنامه علوم قرآنی؛ ش ۲، پاییز ۱۳۹۶، ص ۳۱-۶۰.
۶۷. کلاک، ادريس عبدالحمید؛ نظرات فی علم التجويد؛ عراق: اللجنة الوطنیه للاحتفال، ۱۴۰۱ق.

۶۸. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تحقیق علی اکبر غفاری؛ تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۳.
۶۹. گلذیهر، ایگناز؛ مذاهب التفسیر الإسلامی؛ ترجمه عبدالحلیم نجار؛ بیروت: داراقرء، ۱۴۱۳ق.
۷۰. متقی هندی، علی؛ کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال؛ تحقیق بکری حیانی و صفوه السقا، بیروت: مؤسسة الرساله، ۱۴۰۹ق.
۷۱. مرادی، محمد؛ امام علیؑ و قرآن (پژوهشی در تفسیر و روش های آن در اندیشه امام علیؑ)؛ تهران: نشر هستی نما، ۱۳۸۲.
۷۲. مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
۷۳. معرفت، محمد هادی؛ التمهید فی علوم القرآن؛ قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۵ق.
۷۴. معرفت، محمد هادی؛ تاریخ قرآن؛ تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۶.
۷۵. معرفت، محمد هادی؛ علوم قرآنی؛ قم: مؤسسة التمهید، ۱۳۸۱.
۷۶. موسوی خویی، سید ابوالقاسم؛ البیان فی تفسیر القرآن؛ قم: مؤسسه احیاء آثار امام خویی، [بی تا].
۷۷. موسوی خویی، سید ابوالقاسم؛ موسوعة الإمام الخویی؛ قم: مؤسسه احیاء آثار امام خویی، ۱۴۱۸ق.
۷۸. نجارزادگان، فتح الله؛ «تحریف ناپذیری قرآن»، دانشنامه علوم قرآن؛ ش ۲، پاییز ۱۳۹۶، ص ۷۹-۱۱۱.
۷۹. نولدکه، تیودور؛ تاریخ القرآن؛ تحقیق فریدریش شفالی؛ ترجمه جورج تامر و هیلد سهایم؛ نیویورک: دار نشر جورج المزم، ۲۰۰۰م.
۸۰. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب؛ تاریخ الیعقوبی؛ بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
81. Gade, Anna M., "Recitations of the Qur'an" Encyclopedia of the Qur'an, Ed. MC Auliffe, Jane Dammen, 5 vols., Leiden: Brill, 2006;
82. Leemhuis, Fredrick, "Readings of the Qur'an", Encyclopedia of the Qur'an, Ed. MC Auliffe, Jane Dammen, 5 vols., Leiden: Brill, 2006;

83. Rezvan, Efim, "Orthography", Encyclopedia of the Qur'an, Ed. MC Auliffe, Jane Dammen, 5 vols., Leiden: Brill, 2006;
84. Wild, Stefan, "Reading", The Qur'an: An Encyclopedia, Ed. Leaman, Oliver, New York: Routledge, 2006.

